



## چرا و چگونه مرقد حضرت علی از نجف به مزار شریف انتقال یافت بقا جشن نوروز و گره خوردن باین مقبره



سالها قبل شهر بلخ در ۲۰ کیلومتری شهر مزار شریف پایتخت شاهان آریائی کیانی کیداری باختریان سکها کوشانی سامانی سلجوقی بود. شهر مزار شریف را در آن زمان بنام قریه خواجه خیران یاد می نمودند. تجلیل از سال هجری شمسی و نوروز در شهر بلخ و کشورهای آسیای میانه مانند امروز شاندار نبود ولی مردم همه بخاطر سعادت و برکت سال نو فر هنگهای از گذشته گان خود داشتند. در سالهای ۴۰ الی ۴۱ هجری شمسی به تعداد ۵۰۰۰۰ لشکر عرب با فامیلهای خویش به بلخ ناقل گردیدند. با وجودیکه جنگهای متعدد رخ داد ولی این فامیلها در چند نسل افغانی شدند. که این فامیلها اکثرا طرفدار حضرت علی بودند. زمانیکه مغلها بلخ ایران بغداد را شکست دادند پس از مدت زمان فرهنگ مغل و فرهنگ از دست رفته کشورهای آسیای میانه دوباره در مناطق تسخیر شده مروج گردید. مسلمانان شهادت دادند در زمان که امام حسین و دیگران طرفداران به شهادت می رسد دیگر تضمین حیات برای مقبره این خانواده باقی نمی ماند. اینکه چرا مقبره حضرت علی در مزار شریف است دلایل آن اینست که جسد مطهر علی پس از مرگش در امان نبود. اگر در امان میبود باید مانند دیگر خلفا راشدین طی مراسم شاندار به خاک سپرده میشد. ولی چنین نبود. گویند جسد مطهر او را در صندوق بالای اشتر می گذارند. عده گویند اشتر پس از ۴ روز به محل نیزار می نشیند و صندوق در آن جا باقی می ماند عده گویند که اشتر پس از چندین روز در نزدیکی محلی راحت می گیرد مردم صندوق را در زمین دفن می نمایند و اشتر بی صاحب را ذبح نموده میخورند. عده زیادی می گفتند که علی رض را در نجف دفن نموده اند. گویند به دستور حضرت علی (ع)، فرزندانش امام حسن (ع) و امام حسین (ع)، بدن مطهر او را در زمین مرتفعی که عرب به آن «نجف» می گوید، مدفون ساختند. بدون اینکه مردم بدانند محل دفن حضرت علی (ع) کجاست. روایات است که این جوان مردان به غرض نشناختن جسد حضرت علی ۴ تابوت را از کوفه به بیابان نجف برده دفن نمودند که یکی آن علی بوده صرف آن خاندان می شناخت که علی کدامیکی است. امام جعفر که اولاده این خانواده بود میدانست جسد حضرت علی در کجا پنهان است. امام جعفر با همکاری مردم خراسان جسد او را به خراسان انتقال داده است. زیرا طرفدار علی و طرفداران خانواده عباسی درین دیار زیاد بودند زیاده در خراسان زندگی داشتند آنها جسد مطهر حضرت علی را از نجف در نزدیکی بلخ آورده در قریه خواجه خیران بلخ در ۳۰ متری زیر زمین که نهر آبی در جریان بود می گذارند. سلجوقیان

اولین قوم بودند که در آسیای میانه به اسلام رو آورده خدمات زیادی به اسلام نمودند آنها تحقیقات را غرض دریافت مرقد علی انجام دادند . بدین معنی است که در آن زمان مرقد علی نا معلوم بوده است. اگر موضوع مرقد علی در نجف حقیقت می‌داشت سلجوقیان که ناشر دین اسلام بودند چنین تحقیقات را انجام نمی دادند.

### شرح وقایع را چنین توزیع داده میشود:

به اساس آثار ۹ گانه کتبی که در پایان ذکر شده در زمان سلطان سنجر مزی ابن ملک شاه سلجوقی والی بلخ جمع اعیان شهر را طلبیده مشورتی میان نهاد و از روی تواریخ نیز تعیین یافت که مدفن او در همین سرزمین است بعد از توجه و تردد حفره ای ظاهر شد که در میان آن لوحه سنگی سفید پیدا شد در یک صفحه آن لوحه این چند عبارت منقوش بود. ( هذا قبر اسدالله اخ رسول الله علی ولی الله ) و سلطان امیر میرزا والی هرات بر مرقدش تعمیر ساخته است . این کلمات کافی نیست این که چگونه جسد مبارک خلیفه چهارم اسلام و داماد پیامبر (ص) به سرزمین بلخ انتقال پیدا نمود شرح ذیل روشن می نماید؟

در تاریخ اسلام بین مسلمانان جنگهای خونین بخصوص بین خانواده های بنی امیه و بنی هاشم به اوج خود رسیده بود این اختلاف، کشمکش و درگیری هم چنان ادامه یافت که باعث جنگهای دوامدار چون جنگ جمل، نهروان، صفین و.. گردید. که مشهور به جنگهای قاسطین، مارقین و ناکثین میباشد. که این جنگها عموماً در زمان حضرت علی (ع) خلیفه چهارم اسلام رخ داده است. علی با سه نیروی مخالف مواجه بود اول گروهی به رهبری عایشه طلحه ، و دومی زبیر بن عوام که در مکه بودند اینها خواهان برگزاری شورا برای تعیین خلافت بودند و گروهی سومی به رهبری معاویه پسر ابی‌سفیان در شام بود که انتقام خون حضرت عثمان را خواستار بودند. علی چهار ماه پس از خلافت، عایشه را در جنگ جمل شکست داد؛ اما سرانجام در نبرد صفین با معاویه به نتیجه نرسیدند . سپس در سال ۳۸ هجری با خوارج که قبول حکمیت توسط علی را خود ساخته می‌دانستند بر او شوریده در نبرد نهروان با آنها جنگیده آنان را شکست داد. بدین ترتیب قوتهای علی روز تا روز کم گردیده نیروی جنگی او ضعیف گردید. سرانجام شخصی بنام عبدالرحمن ابن ملجم او را در مسجد کوفه با ضرب شمشیر به قتل می رساند. با قتل وی امویان به قدرت می رسد. امویان کنترل تمامی خانواده علی را در دست می گیرند. امویان بدون اطلاع فامیل حضرت علی ، جسد مطهر او را در صحرا بالای اشتر بطرف نامعلوم رها کردند. با شهادت این راد مرد این جنگها هیچ گاه و این اختلافات در هیچ وقت فروکش نگردید و بلکه شعله ورشد. و دل مخالفین تسلی پیدا نکرد بلکه دشمنی بنی امیه و بنی هاشم جدی تر گردید و امویان بنی هاشم را سد راه حاکمیت خود میدانستند و باین اندیشه افتادند هر طوری که شده از اقتدار بنی هاشم باید جلو گیری شود. از سوی دیگر هاشمیان که بعد از شهادت حضر علی(ع) بماتم امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نشسته بودند آرام نماندند بطور مخفیانه علیه امویان داخل اقدام شدند و درگیریهای بسیاری انجام یافت. که این قیامها بنام خونخواهی با تشریک مساعی فرزندان عباس کاکای پیامبر (ص) که خودشان را بخلافت اسلامی ذیحق میدانستند در اطراف و دور از اداره امویان قیام مینمودند. مثل قیام سلیمان ابن سرد خزاعی و مختار ابن عبیده ثقفی. این قیامها همچنان یکی پی دیگری ناکام میماندند. ولی هیچ گاهی باعث دلسردی قیام کننده گان نمیشد بلکه وضعیت هر روز وخیم تر و بدتر میشد و کار این قیامها به جای رسید که در حدود شرقی

ترین بلاد اسلامی و خراسان حس انتقام جویی رو به فزونی گرفت و شعله آن در سراسر منطقه و خراسان دمید در همین گیر و دار مردی پیدا شد بنام ابو مسلم خراسانی که با طرزی نوی بطرف دارای خاندان عباسی قیام ورزید و خود را برای بر انداختن سلطنت امویان آماده ساخت که دقیقاً تاریخ روضه شریف به نام و تاریخ این مرد گره خورده است. این سردار نامی تحت سیطره هاشمیان نبوده ولی با هاشمیان هم پیمان میشود و از اینکه ابو مسلم در میان تابعین و پیروان و همکاران خود یک دسته پهلوانان و عیاران مجرب داشته است. هیچگاهی او را چه در حال حیات و چه پس از مرگ تنها نگذاشته است. قبلاً گفته شد که ابو مسلم خراسانی دعوت خود را به شکل کاملاً نو شروع کرد و قلباً مایل بود که خدمتی برای سادات حسینی انجام بدهد و به امام پنجم حضرت جعفر صادق (ع) پیامی به این مضمون فرستاد که (اگر امام به مسند خلافت و امامت مایل باشند این سپهسالاری و خدمت گذاری به تقدیم خواهیم رسانید) امام جعفر صادق (ع) در جواب ابو مسلم هدایت دادند که: ما مردم که اهل همتیم هر کس که خروج کرده بدرجه شهادت رسیده است بنابراین ما را بحکم و امارات علاقه و محبت و میل نمانده امام در وقت رخصت کردن قاصد میگوید که ابو مسلم را بگوی هر گاه میخواهد در این خاندان خدمت پسندیده بجا آورده باشد که جسد مبارک جد بزرگوارم علی را که در یک صندوق محفوظ در نجف مدفون است به بلخ انتقال بده تا بعد از آنکه فتنه بنی امیه و (خوارج بی دین) فرو نشینند و دار الخلافه بدست ما مفتوح گردد (بمدینه مطهره) برده شود. امام صادق (ع) چرا جواب رد به پیام ابو مسلم خراسانی داد؟ دلایل که امام خواست ابو مسلم را تجربه و صریح سازد این بود توانایی و صداقت ابو مسلم را آزمایش و تجربه نماید دوم اینکه اکثر طرفداران خاندان نبوت از طرف شرق بلاد اسلامی و خراسان قیام میکردند. امام خواست صریح آن این بود که جسد حضرت علی (ع) در آن حدود نقل مکان داده شود. تا خراسانیان در اخلاص و متابعت خویش پایدار، محکم و ثابت قدم تر گردد. خاندان بنی امیه همواره هاشمیان را رقبای اصلی خلافت خود دانسته اقدام به هر نوع مظالم که ممکن بود با بی رحمی تمام به اجرای آن میپرداختند. چنانچه در حادثه کربلا، شهادت زید ابن علی و کشیدن جسدش از قبر و بدار آویختن و آتش زدن آن و .... خلاصه اینکه در مورد جسد مطهر حضرت علی (ع) بخاطر جلوگیری از بی حرمتی، باز کردن قبر و عمل که در مورد زید (ع) و سایر ائمه (ع) واقع شد تکرار نشود. همچنین جلوگیری از عمل جسورانه خوارج علاوه بر باعث گردیده که جسد امام (ع) بکمک ابو مسلم مبادرت بانتهال تابوت مبارک در حدود که از نفوذ بنی امیه خارج باشد اقدام نماید. و انتقال مرقد حضرت علی (ع) را در این سرزمین مساعد دیده ارادت مندانی یافت نماید تا به این کار اقدام سریع نماید. با ارائه دلایل فوق امام جعفر صادق (ع) بنقل و انتقال جسد مطهر حضرت علی (ع) مبادرت ورزیده و این وصیت توسط قاصدی به ابو مسلم خراسانی رسید و ابو مسلم انجام این خدمت را عین سعادت و موفقیت خود دید و به عیاران و پهلوانان کار آزموده خود دستور داد که بصورت مخفی اقدام به این کار نمایند و این خدمت بزرگ و نیکو را به انجام برسانند و عیاران جسد مطهر را که در صندوق محفوظ بود پنهانی از نجف به مرو و در مکانی بنام کوه نور و از کوه نور با عبور از دریای آمو وارد بلخ مینمایند و در قریه بنام خیران بطور پنهانی دفن میکنند. ابو مسلم به گمان اغلب مصروفیت و گرفتاری های لشکر کشی بر ضد آخرین خلیفه امویان و یا با اشاره و رهنمایی های امام (ع) نتوانست فرصتی بدست بیاورد که موضوع انتقال جسد حضرت علی (ع) در بلخ اعلان و برملا نماید. این کار خطر نیز داشت پس از

سقوط خلافت امویان و به تاج و تخت رسیدن عباسیان در دنیای اسلام بحران و کشمکش های داخلی و جنگهای نافرجام بوجود آمد. در این مقطع ابو مسلم با توطئه ای از طرف عباسیان با صد نفر از اعیانانش به قتل رسید و امام جعفر صادق (ع) نیز جام شهادت نوشید و افرادیکه در انتقال جسد مطهر شاه ولایت مآب نقش داشتند نیز به گمان اغلب با ابو مسلم کشته شدند بناً این قضیه در پرده خفا باقی ماند و بمرور زمان از خاطره ها محو و فراموش گردید و کسانی هم که جسته و گریخته روایت و حکایتی از موضوع دفن حضرت شاه ولایت مآب (ع) شنیده بودند اگر اظهاراتی میکردند و یا داشتند گفته شان ناباور به نظر میامدند.

## تحقیقات اول

این امر خفای موضوع دفن همچنان باقی ماند تا دوره خلیفه عباسی هارون الرشید در هر دو موضع یعنی نجف و بلخ پنهان و پوشیده باقی مانده بود تا اینکه روزی خلیفه بقصد شکار در دشتهای نجف اشرف میروود از پیر مردی که در دشت بر سر راه خلیفه سر میخورد و میشنود که مدفن پسر عم شان (کاکا) در همین موضع است زیرا امام جعفر امام صادق و امام سجاد این جا آمده دعا می کردند. روایات است که دوست داران حضرت علی ۴ تابوت را به نجف آوردن و آنکه علی رض بوده است صرف خاندان علی باخبر بودند. که یکی از جسد را ابومسلم بطور مخفیانه به بلخ انتقال نموده بود. خلیفه بعد از آن جستجوی زیادی انجام داد تا اینکه حفره ای یافت که علایم از قبر نمایان دیده میشده است و بالای آن عمارت مختصری بنا نموده و با این عمل جایگاه دفن اولیه حضرت علی (ع) در نجف اشرف (عراق) پیدا شد تعداد زیادی گروه گروه به سمت عراق و نجف بقصد زیارت قبر آن حضرت رهسپار گردیدند و از طرف سلاطین و مریدان آن حضرت تعمیرات زیادی به آن افزوده شد و با رواج زیارت گاه نجف اشرف واقعه بلخ از اذهان همچنان فراموش شده باقی ماند. و گفتند واقعه بلخ برای شان به حکایت و افسانه مبدل گردید

## تحقیقات دوم و پیدا نمودن واقعی جسد حضرت علی

تا اینکه در دوره حکمروایی معزالدین ابو الحارث (سنجر) ابن ملکشاه سلجوقی در سال ۵۱۱ و ۵۵۲ در دفتر معاملات ابو مسلم که در دارالاماره مرو بود. بدست آمد که مرقد شاه ولایت مآب در بلخ است. مطالب مبنی بر اجرای این عملیات و انتقال اسرار آمیز آن نهفته بود تداعی میکرد که از جمله این اسرار نامه بود که ابو مسلم به امام جعفر صادق (ع) نوشته بود که خلافت را قبول نماید و وصیت امام جعفر صادق (ع) به انتقال نعش مطهر حضرت امیرالمومنین (ع) از نجف به بلخ و چگونگی انتقال آن توسط ذولابی در ده و قریه ای بنام خیران و بخاک سپردن آن بصورت مخفی این واقعه را برملا میساخت و با پیدا شدن این دفتر سلطان خود را مکلف به تحقیق در خصوص یافتن اسرار این واقعه دانسته است. حکایت دیگری در این مورد اینست که چهارصد نفر از سادات و اکابر بلخ در یک شب امام علی (ع) را به خواب میبینند که در نزدیک ده خیران بالای صفا ای ایستاده مردم را ارشاد میکند و میگوید که سالهاست که در اینجا هستم و کسی موجودیت و بودن مرا در این دیار نمیداند شما باید به والیان خود این مطلب را اظهار بدارید که از موضوع آگاه شوند و خلائق بزیارت بیایند و با حکایات خواب و پیدایش دفتر معاملات ابومسلم در مرو موضوع واقعه انتقال جسد مطهر حضرت علی (ع) در بین مردم شایع گردید و حقیقت آن برملا شد. سلطان سنجر فرمانی به امیر قماچ والی بلخ فرستاد که به تحقیق و جستجوی آن کمر همت بی بندد و در این مورد مساعی

زیادی به خرج دهد و مطابق فرمان امیر قماچ که قبلاً با تکذیب خواب علما و سادات اظهاراتی در مورد رد آن خواب کرده بود. در مجلس به همین منظور امام عبدالله که از فقهای نامدار بلخ در عصر خود بود. هم در جلسه مذکور حاضر بوده است و امیر مذکور با اظهار ندامت از گفته های خود بعد از حصول فرمان سلطان در روز موعود با موافقت علما و اکابر بلخ، اعیان و سادات به جانب قریه خیران که پشته و تل بنام (تل علی) در آن شهرت داشته بود رسیدند. وقتی که به بحفاری و کاویدن آغاز کردن در اثنای کندن محل گنبدی خوردی با دریچه فولادین با قفل نقره ایی ظاهر گردید که با پیدایش آن علامت شک و تردید که در ذهن ها بود از بین رفت و اشتیاق حاضرین با گشودن درب این حجره از حقایق داخلی آن افزود شده است. بعد از باز کردن دروازه حجره، صندوق از فولاد، و مصحفی با خط کوفی که در پوست آهو نوشته شده بود، با شمشیر نهایت بزرگ و یک سنگ خشت نما که در آن نوشته شده بود، (هذا ولی الله علی اسدالله) نهاده بودند پیدا شد و بر حسب لزوم دید علما کرام و صلحای آن مقام با اصرار زیاد دروازه صندوق را نیز گشودند که همه گان وجود جسد مطهر را بچشم سر مشاهده نمودند که ناخنهای آن سالم و موهای سرش تا به پایین نرمه گوش رسیده، و آثار زخم به فرق مقدسش هنوز هویدا بوده است. برخی صاحب دلان و اصفیاء و عارفان تاب چنین حالی را نیاورده از خویش رفتند و با ظهور این حفره و حجره مقدسه شور، هیجان و هلهله بر پا گشت و مردم با نذورات و خیرات از راههای دور و نزدیک فوج فوج بر محل شرف و سعادت سرازیر شدند و به خیل از عاشقان و مشتاقان آن حضرت پیوستند. به مجرد پیدایش تربت شریف و جسد مبارک حضرت علی (ع) امیر قماچ گذارش پیدایش مرقد مطهر حضرت علی (ع) را به مرو فرستاد و سلطان را از این دست آورد و از این گنج پنهانی آگاه ساخت بلا فاصله سلطان مبلغ ۵۰،۰۰۰ دینار زر سرخ به مستحقان آن مکان رسانیده در پی آن شد که صندوق حامل حضرت شاه را در مرو که دار الخلافه اش بود انتقال بدهد که در این مورد به استخاره و مشوره پرداختند. و برای انتقال آن تلاشهای زیادی به خرج داد ولی اجازه چنین کاری را از سوی علماء و بزرگان وقت نیافت. بعد از چندی بر این بارگاه گنبد عجیب البنای طرح نمود که باید آنرا ساختمان و تعمیر نماید ولی سلطان سنجر تا دم مرگ خود فراغت نیافت که بعمران و آبادی مزار شریف اقدام کند چون بعد از رفتن از بلخ جنگها واقع شد و او در این جنگها مغلوب و اسیر گشت و با فرار از حبس دوام نیاورد و دیار فانی را وداع گفته بدیار باقی شتافت و طومار زندگی سلجوقیان بدست خوارزمشاهیان در هم پیچید. خوارزمشاهیان نیز با خروج چنگیز خان و سرازیر شدن به طرف بلخ به قتل عام مردم بلخ پرداخت و لشکریان چنگیز خان علاوه بر کشتار بی رحمانه مردم نسبت به اماکن مقدسه نیز بی نهایت بی احترامی داشتند و مردم از ترس بی حرمتی لشکریان بنای سنجر شاه را از بالای مرقد حضرت علی (ع) بر داشتند و جمیع علایم و آثار وی را از بین بردند و مختصر عمارت که باقی مانده بود با گذشت زمان بصورت تل خاکی در آمد که آن مقام را تل علی یاد میکردند. وگاهی از ترس بنام خواجه خیران نیز یاد میگردیده است. بعد از آن تا مدت ۲۶۸ سال و حدود دو نیم قرن کسی را یارای آن نشد که مبادرت به اعمار آن مقام بنماید. گذشت زمان خاطره و یاد بارگاه حضرت علی (ع) را از ذهنها برده بودند. تحقیقات سوم برای دریافت مقبره با بیان ارائه بزرگان و تاریخ دانان زیادی و با مطالعه متون تاریخ و مستندات بدست آمده بایقرا سلطان برادر سلطان حسین مرزا را که حاکم بلخ بود با ارائه مستندات تاریخی که قبلاً در زمینه گفته آمده سلطان را وادار ساختند که باید یک تحقیق فرا

گیر و جامع در زمینه صورت گیرد که برای این موضوع و تحقیق آن امیر کبیر علی شیر را به بلخ روانه نمودند و از اینکه وزیر مذکور یک آدم عالم و دانشمند بود و حقیقت حال را بر وجه کمال مشاهده نمود. و جسد را در محل بنام تل علی یافت نمودند. او به دیار هرات اطلاع مفصلی داده نوشت که قبر حضرت علی (ع) در بلخ است و ما با بودن وی خوشبخت هستیم و نباید کسی در کوفه در جستجوی او باشد بخاطر که حضرت علی (ع) در بلخ میباشد. با رسیدن این گزارش سلطان حسین مرزا در عین شدت گرما با تمام شاهزاده گان و بزرگان هرات به طرف بلخ عازم گردیدند و بعد از ورود به بلخ در مکان که بنام نظرگاه میگویند با صدای بلند و با التجاء خاص در موضع مدفن حضور بهم رسانید نامه خویش را چنین به خوانش گرفته است. السلام ای بارگاه شاه مردان السلام، مزار تو قبله همه مردمان است، جای عبادت برای همه مردمان است. و من هم بخاطر بخشش به درگاه خودت رو آورده ایم. عمق احساسات خویش را در بین کسانی که به همراه او آمده بود ابراز داشت. از اینکه شاه مذکور مریضی قلنج داشت و با زیارت بارگاه شاه ولایت ماب مریضی اش علاج گردیده و شفا یافته بود علاقه مییابد که با مشوره بزرگان هم رکاب مثل مولانا عبدالرحمن جامی، حسین واعظ کاشفی، حفید مولانا سعدالدین تفتازانی تصمیم میگیرد که اگر سعادت شامل حال شود جسد مبارک شاه ولایت ماب را به همراه صندوق برداشته به شهر هرات نقل مکان دهند ولی سلطان به چند جهت به این کار موفق نگردید.

۱- هر چه استخاره نمود اجازه نیافت.

۲- مشاورین و علما نظر ندادند.

۳- در مورد انتقال جسد مطهر حضرت علی (ع) ابو مسلم خراسانی به اشارت امام جعفر صادق (ع) مبادرت و اقدام نموده است و شما به چنین کاری اجازه ندارید و از اینکه جسد مطهر را اجازه انتقال نیافت یک ساختمان و عمارت عالی بر این بارگاه ساخت تا در تاریخ این سر زمین نام خود را جاویدانه گی بخشد و عده معماران را وظیفه سپرد تا در اعمار این بارگاه ملکوتی سخت تلاش و کوشش شود که باید دارای اتاقها، رواقها و حجرات لازمه باشد و تا حد توان خویش تزیین نماید اولین خشت این بنا را کمال الدین بهزاد، شاعر، معمار و دوست نزدیک نوایی گذاشت. نام این تعمیر دو گنبد است که در بین مردم مزار شریف به نام جوره گنبد نیز یاد می شود و به نام آن قسم نیز می خورند. سلطان حسین بایقرا در زیبا ساختن روضه مزار شریف توجه زیاد نمود او مزار شریف را مرکز برگزاری جشن نوروز، میله ۴۰ روزه گل سرخ، در بلند نمودن جهنده سال نو هجری شمسی تثبیت نمود. تعمیر که او اعمار نمود تا اکنون نظیر آن در کشورهای آسیای میانه وجود ندارد. با وجودیکه شاهان بخارا تلاش نمودند که بخارا جایگاه مزار شریف را گیرد ولی موفق نگردیدند. هچنان روایات است که حضرت علی در روز اول حمل به خلافت رسیده است. این مسله با جشن نوروز گره خورده در غنماندی نوروز توجه را از دیاد بخشید. پس از آن مردم آسیای میانه در روضه مزار شریف تجلیل از نوروز را صبغه اسلامی داده آزادانه تجلیل می نمایند. هدف این فرهنگ طوریست برای اینکه مردم سال پر برکت را در پیشرو داشته باشند جهنده یا بیرق سرخ یا گل لاله را الی چهل روز تا اولین حاصل زراعتی سال بر افراشته نگهمیداشتند. اولین میوه سال که پخته میشود خربوزه بنام زنبورچه، لکات و کوک سلطان (آلو ترش) میباشد که تا اکنون پابرجا است. پس از آن جهنده دوباره پائین میشود. مردم این چهل روز را بنام میله گل سرخ یاد می نمودند که تا اکنون به

همان نام یاد می‌گردد. این فرهنگ روز تا روز غنا بیشتر یافت. زمانیکه مغلیان تیموریان و بابرین به کابل و هند می‌روند این فرهنگ را به کابل و هند غنی تر می‌سازد.

### اهمیت تجلیل از جشن نوروز (میله عنعنوی گل سرخ) در مزار شریف

گویند حضرت در روز اول حمل به خلافت رسیده است بناً این روز خجسته را بروز نوروز در روضه مبارک حضرت علی برپا می‌کنند. این جشن باستانی که همه ساله در مزار شریف با اشتراک مقامات عالی دولتی و میهمانان خارجی و مردم سراسر افغانستان و زائرین کشورهای همسایه تجلیل میشود دارای اهمیت خاص است که از دیدگاه های مختلف باید مورد ارزیابی قرار داده شود

### اهمیت جشن نوروز از دیدگاه تاریخ:

نوروز به معنی روز نو است و معرب آن نیروز میباشد و نخستین روز ماه (حمل) که آن را نوروز عامه میگویند و آریاییان از آن روز تا ششم حمل ماه که نوروز خاصه یا بزرگ نامیده میشود جشن می‌گرفتند. در این روز آفتاب به برج حمل داخل شده و فصل بهار آغاز میشود. بعضی میگویند این واژه برخواستن از پنداری است که آفرینش جهان و بوجود آمدن سیارات نظام شمسی و پیدایش حضرت آدم و حوا را در همین روز از سوی خداوند باورمند است. جشن نوروز مطابق گاهشماری اویستا که سال را بدو فصل گرما و سرما بخش بندی میکند. در آغاز هر دو فصل جشنی بسیار باشکوهی برپا میشده است. که یکی از این فصلها مصادف با رویش گیاهان همراه بوده است که این روز را نوروز میگفتند.

بر اساس افسانه های کهن کیومرث نخستین فرمانروای آریایی است که نوروز را بنیاد نهاده و تاریخ را از آن آغاز کرده است. جشن نوروز را ساسانیان در میدان کاخ دوازده ستون از خشت خام برپا میداشتند و بر فراز آنها همراه با نوای موسیقی ۱۲ نوع رستنی چون گندم، جو، لوبیا، نخود، کنجد، ماش و غیره را میکاشتند و در ششمین روز جشن آنها را میکندند و در بزم شادمانی آنها را میپراگندند و بدین باور بودند که هر یک از دانه های که نیکو تر روید محصول آن در همان سال فراوان خواهد بود.

پس از گسترش دین جهانی اسلام این جشن از سوی خلفای بغداد و هم از سوی امرای محلی خراسان با مراسم ویژه برپا میشده است. عمر ابن عبدالعزیز خلیفه اموی و معتضد خلیفه عباسی با تقلید از سنت ساسانیان لباس زربفت میپوشیدند روی تخت مینشستند و آیینهای نوروزی را گرامی میداشتند. در ادامه در تثبیت و برگذاری این جشن بزرگ که در همه کشورهای بازمانده از سلاله های سلسله شهنشاهان خاور نزدیک و آریانا از قبیل: پیشدادیان، هخامنشیان، ساسانیان، سامانیان، غزنویان و سلجوقیان قدمی داشته اند که امروز این جشن بصورت ملی در آمده است. و در سال ۴۶۷ هجری قمری در زمان جلال الدین ملک شاه سلجوقی که آغاز سال نو سال جلوس اونیز بود و با شروع بهار قرین شده بود به ابتکار عمر خیام شاعر و منجم و ریاضیدان معروف مرغاب (ناحیه بادغیس فعلی) و مشهور بنیشاپوری و دیگر اندیشمندان آن عصر تقویمی بنام جلالی ترتیب داده شد که نوآوری این پادشاه دانش دوست را نشان میدهد. بناء جشن نوروز در بسیاری از کشور های اسلامی تا مغولستان در آسیا، مصر و زنگبار در آفریقا رفت و رواج یافت و اکبر شاه سرسلسله پادشاهان بابرین

در هندوستان در سال ۱۵۸۴ میلادی نتنها جشن های نوروز و مهرگان را با شکوه هر چه بیشتر برپا کرد بلکه نام دری ماه ها را نیز در شبه قاره هند رواج (دوباره) داد

### اهمیت نوروز از دیدگاه ادبیات

از اینکه نوروز همپای نوبهاران با نخستین روز آن فرا میرسد که فصل شگوفه ها و رویشها است و پیدایش، پوشش زندگی دوباره در تمام نماد های طبیعت بجهان جلوه خاصی میدهد و زیبایی میبخشد. و شور عاشقانه در روان و احساس هر انسان میآفریند در این میان شاعران و داستان سرایان و ادیبان که طبعی حساسترونزاکتر دارند یافته هایشان را از نوروز به ویژه آهنگین شهر داستان و رمان، قصیده و .. و خلاصه در ادبیات بیان میدارند و همنوای شورآفرین روزگاران و طبیعت دلپذیر میشوند. سرایشگران و سخنوران نیز هم قطار تاریخ گشته، به ستایش نوروز چکامه ها و شعر های دلنشین سروده اند و داستانهای ماندگار گفته اند که چون نگین های گران بهایی بر تاج طلایی ادبیات میدرخشد و بهاریه ها و نامه های شاعرانه آنان از شاهکارهای بی مانند ادبیات فارسی دری بشمار میآیند چون کمتر شاعری است که شعر در وصف نوروز نگفته باشد و یا نوروزنامه ای نه سروده باشد از اینرو به عنوان نمونه و اهمیت نوروز در ادبیات به چند بیت از شاعران که در وصف نوروز سروده اند ا را به گواهی میگیریم .

#### عنصری بلخی

نوروز بزرگ آمد آرایش عالم... میراث به نزدیک ملوک عجم از جم

#### ۲، امیر معزی

نوروز بساط نو گسترد بگلزاران... وز باغ بساط دی بر بود چو عیاران  
بشگفت بهار نو شرطست شکار نو... ما ومی و یارنو بر دامن کوهساران  
خوش گشت کنون عالم شادندبنی آدم... دلها همه شدخرم خاصه دل میخواران  
شد باغ پر از دیبا شد دشت پر از مینا ... بر هر دو بود زیبا میخوردن هشیاران

#### ۳، دقیقی بلخی

سپاهی که نوروز گرد آوریده ... همه نیست گردش زناگه شجلم

#### ۴، عنصری بلخی

ابر نوروزی همی در بارد و بتگر شود ... تا از صنعش هر درختی لعبتی دیگر شود

#### ۵، منوچهری

نوروز روز عیش نشاط است وایمنی... پوشیده ابر دشت به دیبای ارمنی

آمد نوروز و هم از بامداد .... آمدنش فرخ و فرخنده باد

#### ۶، عمر خیام:

بر چهره گل نسیم نوروز خوش است ... در صحن چمن روی دل افروز خوش است

#### ۷، ناصر خسرو بلخی:

بدیدی به نوروز گشته به صحرا .... بعیوق ماننده لاله طری را

#### ۸، نظامی:

جمالش باد دایم مجلس افروز .... شبش معراج باد و روز نوروز

#### ۹، حافظ:





<https://www.yjc.news/fa/news/7274869/%D8%AD%D9%82%DB%8C%D9%82%D8%AA-%D9%88-%DA%86%DA%AF%D9%88%D9%86%D9%87-%D9%BE%DB%8C%D8%AF%D8%A7-%D8%B4%D8%AF>

۳. خبر نگاری جوانان مقبوه حضرت علی

<https://www.yjc.news/fa/news/7274869/%D8%AD%D9%82%DB%8C%D9%82%D8%AA-%D9%88-%DA%86%DA%AF%D9%88%D9%86%D9%87-%D9%BE%DB%8C%D8%AF%D8%A7-%D8%B4%D8%AF>

۴. مسجد کبود نوشته ویکی پدیا فارسی

[https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%B3%D8%AC%D8%AF\\_%DA%A9%D8%A8%D9%88%D8%AF\\_\(%D9%85%D8%B2%D8%A7%D8%B1\\_%D8%B4%D8%B1%DB%8C%D9%81\)](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%B3%D8%AC%D8%AF_%DA%A9%D8%A8%D9%88%D8%AF_(%D9%85%D8%B2%D8%A7%D8%B1_%D8%B4%D8%B1%DB%8C%D9%81))

۵. مرقد حضرت علی در مزار شریف است نوشته سایت به پاسنگویی به سوالات

<https://www.pas.ir/node/22903>

۶. کند و کاوی در مورد مرقد حضرت علی در مزار شریف

<https://avapress.com/fa/188644/%DA%A9%D9%86%D8%AF-%D9%88-%DA%A9%D8%A7%D9%88%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D9%88%D8%B1%D8%AF-%D8%B2%DB%8C%D8%A7%D8%B1%D8%AA-%D9%85%D9%86%D8%B5%D9%88%D8%A8-%D8%A8%D9%87-%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA-%D8%B9%D9%84%DB%8C-%D8%B9-%D8%AF%D8%B1-%D8%A8%D9%84%D8%AE>

۷. علی ابن ابی طالب در کجا مدفون است

<http://www.porsemanequran.com/content/%D8%B9%D9%84%DB%8C-%D8%A7%D8%A8%D9%86-%D8%A7%D8%A8%DB%8C-%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8-%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85-%D8%A7%D9%88%D9%84-%D8%B4%DB%8C%D8%B9%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%DA%A9%D8%AC%D8%A7-%D9%85%D8%AF%D9%81%D9%88%D9%86-%D8%B4%D8%AF%D9%87-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%9F>

۸. آرامگاه حضرت علی در شهر مزار

<https://www.salameno.com/news/10861453/%D8%A2%D8%B1%D8%A7%D9%85%DA%AF%D8%A7%D9%87-%D9%85%D9%86%D8%B3%D9%88%D8%A8-%D8%A8%D9%87-%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA-%D8%B9%D9%84%DB%8C-%D8%B9-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%B1%DB%8C%D9%81>

۹. روضه شریف - آرامگاه حضرت علی "ع" خلیفه چهارم اسلام - مزار شریف بلخ، افغانستان نوشته خالد عزیزی که قسمت های عمده از این مقاله بدست آمده است

[https://m.facebook.com/nt/screen/?params=%7B%22note\\_id%22%3A355247192567229%7D&path=%2Fnotes%2Fnote%2F& rdr](https://m.facebook.com/nt/screen/?params=%7B%22note_id%22%3A355247192567229%7D&path=%2Fnotes%2Fnote%2F& rdr)

۱۰. اشعار شاعران و کتابهای دوران قدیم سعدی

اول اردیبهشت ماه جلالی ... بلبل گوینده برم نابر غضبان  
برگل سرخ از نم او فـتاده لالی ... همچو عرق بر عذار شاهد غضبان  
حافظ

می اندر مجلس آصف به نوروز جلالی نوش .... که بخشد جرعه جامت جهان را ساز نوروزی  
بناء جشن نوروز در بسیاری از کشور های اسلامی تا مغولستان در آسیا، مصر و زنگبار در آفریقا  
رفت و رواج یافت و اکبر شاه سرسلسله پادشاهان بایری در هندوستان در سال ۱۵۸۴ میلادی نتنها  
جشن های نوروز و مهرگان را با شکوه هر چه بیشتر برپا کرد بلکه نام دری ماه ها را نیز در شبه  
قاره هند رواج (دوباره) داد

ماخذ: ( ص ۸۸ کتاب دید نو از دین کهن (و رونق مراسم جشن نوروز به ویژه از دوره تیموریان هرات

پس از کشف و اعمار آرامگاه سپهسالار بزرگ اسلام امیر المومنین حضرت علی (ع) در حومه بلخ (مزار شریف) باشکوه خاص برپا شد. اهمیت برپائی جشن نوروز را با این روایت آمیختن که آغاز خلافت خلیفه چهارم اسلام را در نوروز حکایت مینمایند که در شهر مزار شریف مرکز ولایت بلخ به اهمیت آن افزوده شده  
ماخذ:

( ج ۲ سازمان کتابهای پرستو ص ۱۶۶. مراسم نوروز را میتوان از ۲۵ سده پیش از امروز به گونه مستند بازشناسی کرد، کوروش کبیر در انسوی سده ششم قبل از میلاد فتح بابل را به تاجگذاری در نوروز جشن گرفته است. در حالیکه در کاخ پرسپولیس بر تخت مینیشیند هدایای نوروزی نماینده گان امپراتوری خود را میپذیرفته است .

ماخذ: برهان قاطع ص ۱۱۵۲. تمام گزارش نوروز و آداب که پادشاهان ساسانی که پیوندی به این جشن داشته اند گرد آوری شده اند در این کتاب نخستین کسی که در نوروز نزد پادشاه بار میافته است.

به نقل از کتاب التاج ص ۱۷۵ در نوروز بزرگان بایستی نزد شهنشاهان میامدند و هر کدام موافق به شخصیت خود هدیه ای بر رسم نوروزی پیشکش مینمودند و شاعر سروده اش را تحفه میداد. نوروز بزرگم بزن ای مطرب امروز زیرا که بود نوبت نوروز به نوروز در نوروز مردم لباس نو و شسته میپوشند و خانه تکانی میکردند ظرفهای مسین را سفید میکردند چراغ ها را در شب نوروز روشن نگه میداشتند. در میدانها آتش میافروختند، شیر و شیر برنج میجوشاندند سفره هفت سین را میگسترانیدند یعنی خوانها را با هفت خوردنی که نام هر کدامش با سین آغاز میشد چون سبزی، سیر، سرکه، سمارق، سمنک، سیب و سنج میآرستند. برافراشته شدن جهنده (علم مبارک) شاه ولایت ماب حضرت علی (ع) این مراسم را شکوهمندی و معنویت خاص میبخشد. خیابانهای شهر مزار شریف که گذر گاه هزاران زایر آستان مقدس آرامگاه حضرت علی (ع) میباشند. با آویختن درفشها و چراغان نمودند. آذین بسته میشوند و میله عنعنوی گل سرخ با انواع سرگرمی ها و گلگشتها مدت ۴۰ روز را در بر میگیرد.

۱۱. روضه حضرت علی در مزار شرف مکان است برای وحدت و آرامش مسلمانان در خبرگذاری آوا

<https://avapress.com/fa/134032/%D8%B1%D9%88%D8%B6%D9%87-%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA-%D8%B9%D9%84%DB%8C-%D8%B9-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%B1%DB%8C%D9%81-%D9%85%D8%B8%D9%87%D8%B1-%D9%88%D8%AD%D8%AF%D8%AA-%D9%85%D8%B3%D9%84%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%A7%D9%86-%D9%88-%D9%85%DA%A9%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%A2%D8%B1%D8%A7%D9%85%D8%B4-%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%B2%DB%8C%D8%A7%D8%B1%D8%AA-%DA%A9%D9%86%D9%86%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%86>

۱۲. تاریخچه روضه شریف (آرامگاه حضرت علی (ع) خلیفه چهارم اسلام) در فرهنگ افغانستان نوشته داکتر شمس الحق آرینفر در کتاب سیمای حضرت علی چاپ تاجکستان